

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰/۱۱/۱۲

در افغانستان چه می گذرد؟ (۹۲)

انگلیس ها در افغانستان باقی می مانند:

قبلاً دیوید کامرون صدراعظم انگلیس گفته بود که بعد از ۱۰۱۴ یک سرباز انگلیسی هم داخل افغانستان نخواهند ماند و تمام این سربازان از افغانستان بیرون خواهند شد. سفیر انگلیس در کابل نیز تا حال چند بار گفته است که ما بعد از سال ۲۰۱۴ نیرو های خود را از افغانستان بیرون خواهیم کرد و برای ماندن درازمدت به افغانستان نیامده ایم. در آن زمان رسانه های خارجی و داخلی این را وسیعاً باز تاب دادند و برخی از تحلیل گران مزدور وابسته نیز این را در هر جایی بیان کردند. اما اینک که دیوید ریچارد لوی درستیز قوای انگلیسی و مهم ترین فرد اردوی بریتانیا شده ، می گوید که نه تنها خروج نیرو های بریتانوی در ۲۰۱۱ را از افغانستان عملی نخواهد کرد که نیرو های انگلیسی بعد از ۲۰۱۵ نیز در افغانستان باقی خواهند ماند. او با صراحت می گوید که تا سالهای بسیاری ضرورت حضور انگلیس در افغانستان است. در حالیکه انگلیس ها ده هزار نیرو در افغانستان دارند، ریچارد گفته است که طی سالیان بعدی ده هزار نیروی دیگر نیز به افغانستان خواهد فرستاد و این اعلان، مزدوران انگلیسی در افغانستان را خوشنود ساخت و تحلیلگرانی را که در گذشته گفته های صدراعظم انگلیس و سفیر آن را در کابل باور کرده بودند، سخت شرمند ساخت.

انگلیس ها که در هلمند جابه جا اند بر برخ اعظمی از مواد مخدر افغانستان سینه انداخته و درین چند سال پول های بسیاری از این درک به جیب زده اند. تا جائیکه میان انگلیس و امریکا بر سر کنترل مواد مخدر رقابت های سختی به راه افتاد. این رقابت ها چنان این دو کشور را رویاروی هم قرار داد که باری انگلیس ها گفتند که نیرو های خود را از افغانستان خارج می کنند. اما امریکا دوباره با انگلیس جور آمد کرد و اکنون پول این مواد مخدر را دوستانه میان هم تقسیم می کنند. مخصوصاً که بعد از کشف معدن یک تریلیون دالری لیتیم در افغانستان و به لیلان مانده شدن معدن یک تریلیون دالری حاجی کگ انگلیس ها را بیشتر وادار کرد تا در افغانستان باقی بمانند و این همه سود را برای حریفانش در افغانستان واگذار نکند.

آی اس آی به دنبال جای امن برای گروه حقانی در وزیرستان شمالی:

گروه حقانی که از فاشیست ترین گروه های طالبان است و خود حقانی از اخوانی های است که در ۱۳۵۳ به پاکستان گریخت و بعد با حزب اسلامی بود و چون به خاندان سعودی نزدیک شد و گفته می شود که زنی هم ازین خاندان گرفته، بعد ها گلبدین را ماند و با خالص رفت. در زمان طالبان او به نمایندگی از شاخه غلجائی پشتون ها با طالبان پیوست و وزیر سرحدات شد، اما بعد از یازده سپتمبر او به وزیرستان رفت و در آن جا به حمایت پاکستان و اعراب پایگاهی ساخت و با پول فراوانی که دارد، بیشترین انتحاری ها را او خریداری و وارد میدان می سازد. با القاعده روابط بسیار نزدیک دارد. خود حقانی درین سال ها بسیار پیر شده و تحرک چندانی ندارد، لذا رهبری گروه را به پسر فاشیستش سراج الدین حقانی واگذار شده و خودش اکثر در کشور های عربی به سر میبرد. درین روز ها که فشار ناتو و امریکا بر پاکستان به خاطر عملیات در وزیرستان شمالی که یکی از مناطق مهم پایگاهی گروه حقانی است، روز تا روز افزایش یافته، با اینکه دولت و اردوی پاکستان تا حال بار ها گفته اند که تصمیم به تصفیة این منطقه از نفوذ طالبان و القاعده دارند، اما تعلل هائی در شروع این حمله کرده اند تا برای مزدوران خود در گروه حقانی جانی در منطقه دست و پا کنند.

خود حقانی که از پکتیا است و رابطه نزدیکی از زمان تجاوز شوروی ها با مردم وزیرستان دارد، بعد از شکست طالبان به وزیرستان رفت و در وزیرستان شمالی که با ولایات جنوبی افغانستان، چون پکتیکا، پکتیا و خوست نزدیک است و تا ننگرهار ادامه می یابد، و فعالترین بخش طالبان در ولایات جنوبی افغانستان است، پایگاه دارد. این گروه که با آی اس آی و برخی از اعراب حاشیة خلیج در رابطه تنگاتنگی قرار دارد و از امکانات وسیع پولی، تسلیحاتی و افراد انتحاری برخوردار است، با حمله اردوی پاکستان بر وزیرستان، دچار مشکلات فراوانی خواهد شد. در صورتی که قبل از این حمله مرکز پایگاهی این گروه به جای نسبتاً امنی منتقل نشود، رویارویی نیرو های مسلح پاکستان با این گروه ناگزیر و حتمی می گردد، چیزیکه پاکستان هرگز خواهان آن نیست. به این خاطر از چندی به اینسو تلاش های مرئی و نا مرئی وجود دارد تا مراکز فرماندهی و پایگاهی این گروه را از اطراف پاره چنار و کرم ایجنسی به کوه های مجاور بر مرز میان پاکستان و افغانستان انتقال دهند. اما مشکل اصلی درین راه موجودیت قبیله شیعه مذهب «توری» در مسیر کرم ایجنسی و این کوهستان ها می باشد که حد فاصل میان وزیرستان شمالی و ولایت های جنوب افغانستان را می سازند.

قبیله توری که شیعه مذهب است و با طالبان بنیاد گرای سنی و القاعده که افکار به شدت ضد شیعه دارند، تا حال هیچ گاهی رابطه نیک نداشته، بگذریم از اینکه این قبیله تا حال بار ها با قبایل رقیب، مخصوصاً قبیله «منگل» بر سر مسایل مذهبی، تقسیم اراضی و مسایل دیگر درگیریهای خونی داشته است. توری ها که اطراف کرم ایجنسی یا دروازه وزیرستان شمالی را در اختیار دارند و همیشه در عبور و مرور نیرو های طالب و القاعده درین مسیر سد ایجاد کرده و چون خاری در برابر بنیاد گرایان سنی درین منطقه قرار داشته است. برای اینکه قبل از آغاز عملیات اردوی پاکستان، گروه حقانی به این کوه ها منتقل شوند، باید از قبیله توری بگذرند، چیزیکه رهبران این قبیله به آن اجازه نمی دهند. برای حل این پرابلم از چندی به اینسو میان گروه حقانی و حامیان پاکستانی آن از یکسو و رهبران قبیله توری جرگه جریان دارد. سجاد حسین که وابسته به قبیله توری و عضو قومی اسمبله پاکستان است، در این جرگه به میانجیگری مصروف بوده، تلاش دارد تا هرچه زود تر این غایله را حل بسازد.

وقتی قبیله توری در مقابل تحرکات گروه حقانی و متحدان القاعده آن مشکلاتی خلق کرد، این گروه تعدادی از بزرگان و ریش سفیدان قبیله را دستگیر و زندانی نمود، همچنان راه های رفت و آمد این قبیله را به پاره چنار مسدود نمود و با جابه جایی نیرو پیرامون این قبیله، آن را به نوعی محاصره کشید. حال سران این قبیله خواهان ختم محاصره و رهائی ریش سفیدان خود می باشند. با اینکه یک تن از اعضای پارلمان پاکستان درین تلاش ها دست دارد و می خواهد با ختم کشمکش درونی میان گروه حقانی و قبیله توری، راه را برای بیرون رستن این گروه از حلقه حمله اردوی پاکستان هموار سازد، خود به خود نشان می دهد که در عقب این کار دست سران اردوی پاکستان قرار دارد و این اردو هرگز خواهان رویارویی با نیرو های جلال الدین حقانی نیست. این سیاست واضح می سازد که اردوی پاکستان در برابر طالبان پاکستانی و طالبان افغانستان دو برخورد جداگانه دارد. از یکسو تلاش می نماید تا قبل از حمله، برای جنگجویان گروه حقانی پایگاه مطمئنی بر فراز کوه های کرم ایجنسی دست و پا کند و این نیرو ها را با اعزاز و اکرام به آنجا منتقل سازد، از سوی دیگر برای سرکوب طالبان پاکستانی در وزیرستان شمالی لشکر کشی نماید.

در صورتی که نیرو های گروه حقانی بر کوه های ستراتیژیک هم مرز با ولایات جنوب افغانستان متمرکز شوند و راه اکمالات آن از طریق قبیله توری باز گردد، این گروه با خاطر آرام تر نسبت به گذشته به طرح حملات بر ولایات جنوب کشور اقدام خواهند کرد. چیزیکه دقیقاً آن را حامیان پاکستانی شان می خواهند. اردوی پاکستان با این حمله از یک سو از ایالات متحده و ناتو امتیاز می گیرد، از سوی دیگر با سرکوب طالبان پاکستانی که برای امنیت آن کشور خطر ساز شده تا حدی امنیت را به پاکستان باز خواهد آورد و تسلط خود را بر این منطقه وسیع و مهم که همیشه از کنترل دولت مرکزی پاکستان خارج بود، هموار خواهد ساخت و بالاخره هم لعل و هم یار به دست خواهد آمد.

با اینکه ایرانی ها از سالها با قبیله توری در رابطه بسیار نزدیکی قرار دارند و کمک های بسیاری به این قبیله می کنند، اما موقعیت این قبیله در میان دهها قبیله سنی و نیرو های سنی متعصب طالبان و القاعده در کرم ایجنسی، لرزان بوده، تاب و توان مقابله با این همه نیروی بزرگ را ندارد، مخصوصاً که حال آی اس آی و در مجموع اردوی پاکستان خواهان دادن امتیاز هائی از سوی این قبیله برای گروه حقانی می باشد، لذا سران این قبیله ناگزیر خواهند شد تا به این درخواست تن دهند و دوشرط آنان مبنی بر رهائی سران قبیله و محاصره آن از سوی گروه حقانی و طالبان متحد پاکستانی آنان پذیرفته خواهد شد. به این خاطر عملیاتی که قرار است اردوی پاکستان در وزیرستان انجام دهد، به نفع دولت و اردوی پاکستان بوده، در کاهش جنگ و ناامنی در ولایات جنوب و شرق افغانستان نه تنها موثر نخواهد بود که با فرار بیشتر طالبان به سوی افغانستان این طرف خونین تر خواهد گشت.

کشتار غیر نظامیان و بی جانی مردم افغانستان شدت یافته است:

اخیراً در یک گزارش پنتاگون آمده است که تلفات غیر نظامیان توسط نیرو های امریکائی و ناتو امسال نسبت به سال گذشته یازده درصد بالا رفته و در دو ماه اخیر تعداد بیجا شدگان در افغانستان به صد هزار نفر رسیده است. این آمار که به علت درگیری های دوماه گذشته در هلمند و قندهار بالا رفته است، اکثر افراد دهقان و فقیری اند که تا حال توان بیرون رفتن از ساحه جنگ را نداشته اند. از دوماه به این طرف که اشغالگران امریکائی عملیات «امید» را در قندهار به راه انداخته، این همه تلفات را به بار آورده است و بسیاری علت این همه کشتار و بی جا شدن ها را در بی تفاوتی قومندان جدید ناتو پتریوس می دانند که بی وقفه برای هر نقطه دستور بمباران می دهد و

شرایط و قید هائی که قبلاً برای سربازان ناتودر برخورد با مردم ملکی وضع شده بود و تا حدی این سربازان را به احتیاط و اداری میکرد، اکنون پتريوس آن ها را برداشته و سربازان ناتو و امريکا هر طور دلشان می خواهد همانطور برخورد می کنند. بمباران عموماً در نقاط مزدحم صورت می گیرد و نتیجه آن قتل های دسته جمعی است. این گزارش تعداد افرادی را که درین سال به وسیله نیرو های ناتو و امريکا به قتل رسیده فقط ۱۶۰ تن اعلان کرده است، در حالیکه این تلفات درین سال به وسیله همین نیرو های ناتو و امريکا بیست چند بالاتر می باشد و بیش از یک هزار نفر امسال توسط همین نیرو ها به قتل رسیده اند. اساساً ناتو این گزارش را به این خاطر منتشر کرده تا اصل کشته شده ها را پنهان کند.

عمل انتحاری جان ۴۰ تن را گرفت:

به تاریخ ۷ نوامبر در یک عملیات انتحاری در ولسوالی خواجه سبز پوش ولایت فاریاب جان ۴۰ تن از افراد ملکی گرفته شد. این عملیات که به خاطر مرگ ملا رحمت الله رئیس شورای ولایتی فاریاب گرفته شده بود، فقط باعث زخمی شدن او شد، اما ۴۰ نفر دیگر درین عملیات به قتل رسیدند. این ۴۰ نفر کشته شده همه غریب کار و غیر نظامیانی بودند که در میان شان چند کودک هم دیده می شود. این عملیات که به وسیله طالبان صورت گرفته اما به خطری که حرفی برای گفتن ندارند، تا حال مسؤولیت این عملیات را به دوش نگرفته اند. وحشیان طالب که از قتل توده های مردم به شدت لذت می برند و این چنین کشتاری را پیروزی خود می دانند و هرگز از چنین عملیاتی دست نمی کشند، اما گاهی خود را به خیریت زده، مسؤولیت آن را نمی گیرند، در حالیکه کل مردم افغانستان این را می داند که چنین عملیاتی را غیر از طالبان آدم کش کسی دیگری انجام نمی دهد. چون آنان عملیات انتحاری را «استشهادی» می گویند و باور دارند که به مجرد انجام این عملیات فرد انتحاری راساً به بهشت داخل می شود و چون خمینی برای بعضی از آنها کلید بهشت را هم میدهند که با خو ببرند که نشود چند لحظه پشت دروازه انتظار بکشند و زود به حور ها نرسند و خود را ارضای جنسی نمایند که در نهایت این عملیات «استشهادی» فقط برای هوس های زیر ناف شان می باشد. عملیات انتحاری این بار شبیه به عملیاتی بود که سال گذشته در دهرآود انجام دادند و در آنجا نیز ۶۰ تن از کارگران بیچاره ای که به خاطر پیدا نمودن کار انتظار داشتند به قتل رسیدند. در آن دفعه نیز سخنگویان این جریان کثیف مسؤولیت انتحار را نگرفتند.

درین میان گزارش می شود که به تاریخ ۱۰ نوامبر ولسوال خواک در ولایت پکتیا حینیکه به طرف مرکز در حرکت بود با مینی اصابت کرد که به قتل رسید، این مین در منطقه ابراهیم خیل این ولایت جا به جا شده بود که جان ولسوال و بادیگاردان او را گرفت. یک روز قبل حینیکه ولسوال سید کرم این ولسوالی به سوی دفتر کارش در حرکت بود نیز مورد حمله مردان مسلح قرار گرفت، اما خودش از این حمله جان به سلامت برد، مگر دوتن از بادیگارد های او به قتل رسیدند. از چندی به این سو در ولسوالی های پکتیا نا آرامی مقداری افزایش یافته که شامل حملات کمین و مین های کنار جاده می شوند.

اربکی ها در جنگ با طالبان:

یکی از ولایاتی که در آن نیروی اربکی به پیمانیه بسیاری در یک سال اخیر ساخته شده، ولایت کندز می باشد. از یک سال به این سو این نیرو که مثل ملیشای دوران نجیب است، به شدت با طالبان می جنگند و پیوسته یکی دیگری را با کمین و شبخون ضربه می زند. امریکائی ها به این خاطر که این جنگ کثیف را میان خود افغانها در

جریان نگهدارند، این نیرو را به وجود آورده و حال خود شان آرام نشسته و اربکی ها با طالبان می جنگند. اکثر افراد این نیرو از بقایای گروپ های لومپن مجاهدین و یا ملیشیا های دوران نجیب می باشد که در کنار جنگیدن با طالبان از هیچ ستمی نسبت به مردم فروگذار نمی کنند. چون فقر و بیکاری در افغانستان بیداد می کند و با اینکه عده ای مرگ را در چند قدمی شان می بینند، باز هم به نیرو های اربکی پیوسته و هم اندک معاشی از دولت می گیرند و هم خود با زور از مردم پول به دست می آورند. درین میان به تاریخ شام دوشنبه ۱۱ نوامبر حینیکه یک گروپ از اربکی ها در ولسوالی امام صاحب شبانه در حرکت بودند در منطقه «ایشان توپ» این ولسوالی با کمین طالبان رو به رو شده و بعد از یک درگیری شدید، ۴ تن از نیرو های اربکی به قتل رسیدند و طالبان منطقه را رها کردند، اینکه طالبان درین جنگ مرتکب چه مقدار تلفاتی شده معلوم نیست. اربکی ها به شدت یک نیروی جنگنده است که طالبان کوشش می کنند تا از رویارویی مستقیم با آنها خود داری کنند و به این خاطر بیشتر به کمین رو می آورند. از روزیکه اربکی ها ساخته و در جنگ شرکت می کنند، ساحه گشت و گذار طالبان در ولسوالی های ارچی، امام صاحب، علی آباد و چهاردره ولایت کندز محدود شده است.

کمیسیون شکایات انتخاباتی و لوی څارنوالی رویاروی همدیگر:

از چند روز به این سو میان کمیسیون بر رسی شکایات انتخاباتی و لوی څارنوالی رویارویی هائی به وجود آمده است. کمیسیون برگزاری انتخابات تعدادی از کاندیدان انتخابات ۱۷ سنبله را متهم به جعل و تخلف کرده و قبلاً گفته بود که با بررسی و اثبات جرم این افراد را به لوی څارنوالی معرفی خواهد کرد. اما با تمام این که تا حال ۹۰ در صد تخلف ها روشن شده اما باز هم کمیسیون کسی را به څارنوالی معرفی نکرده است، به این خاطر معاون لوی څارنوالی قبلاً ضرب الاجلی را برای این کمیسیون تعیین کرده بود و حال که این ضرب الاجل دیروز به پایان رسید باز هم کمیسیون درین جهت هیچ کاری نکرد و کسی را به څارنوالی معرفی ننمود. لوی څارنوالی دیروز (دهم نوامبر) باز هم این ضرب الاجل را برای دوازده ساعت دیگر تمدید کرد و این بار اعلان کرد که اگر کمیسیون شکایات دست به چنین کاری نزنند و باز هم از ارسال دوسیه های متهمان به لوی څارنوالی خود داری کند، این بار بر طبق ماده ۵۰ قانون مامورین، خود افراد کمیسیون را توسط نیرو های امنیتی به څارنوالی خواهند خواست. اما این که این کمیسیون که این اخطارهای لوی څارنوالی را مداخله در امور کمیسیون می داند تا حال حاضر به برآورده ساختن این درخواست لوی څارنوالی نشده است. بسیاری به این باور است که چون در پشت سر افراد متهم زور مداران و حتی اشغالگران امریکائی و انگلیسی قرار دارند، لذا کمیسیون این توان را ندارد که این افراد را به څارنوالی بفرستد و از سوی دیگر څارنوالی نیز صلاحیتی که بتواند افراد وابسته به زور مداران را محاکمه کند ندارد. برخی دیگر به این باور اند که این جنگ زرگری را این ارگان های مزدور و بی صلاحیت به خاطری به راه می اندازند که بر روی پول هائی که کرزی و داوود زی از ایران گرفته و بحث های زیادی را خلق کرده، خاک بیندازد. برخی را هم عقیده بر آن است که څارنوالی می خواهد آخرین بقایای جیب کاندیدان شکسته خورده را نیز از آنها بگیرد تا به معنای واقعی شرکت در انتخابات در یک کشور مستعمره پی برده بتوانند.

۱۵۰ انجو منحل اعلان شدند:

به اصطلاح وزارت اقتصاد اداره مستعمراتی کابل طی تصمیمی اعلان کرد که این وزارت ۱۵۰ انجو را به خاطری که طی دوسال گذشته راپور کاری شان را به وزارت اقتصاد نداده بودند، منحل اعلان کرد. از جمله این

۱۵۰ انجو ۱۴۵ انجو داخلی و ۵ انجو مربوط خارجی ها است. از جمله انجو هائی که خارجی ها به صورت مستقیم آنرا گردانندگی می کنند، مؤسسه انجام انکشاف افغانستان (پی سی آر)، مؤسسه کمک ها طبی پولند (پی ام ام) و دفرنتیرز (تی اف) نیز می باشند. وزارت اقتصاد توسط هادی ارغندیوال رهبر حزب اسلامی که زیر حمایت گلبدین است و به دستور او ساخته شده است ، فعالیت می کند و این امتیازی است که از سوی امریکائی ها به حزب او داده شده است.